

بحران اقتصادی در گوشه و کنار جهان با چه پیامدهایی همراه بوده است؟

رابطه اقتصاد و سلامت

مترجم: مریم سادات کفلی

تغییر در ساختارهای اقتصادی و بروز بحران‌های مختلف در این زمینه را می‌توان جزو مهم‌ترین جنبه‌های تاثیر گذار بر جوامع دانست و در این میان، سلامت را نمی‌توان نادیده گرفت؛ هر چند گاهی پیامدهای آن به دلیل عدم تظاهر در کوتاه‌مدت تا حدی به فراموشی سپرده می‌شود. در این باره شاید اولین پیامد شرایط ناساعد اقتصادی را بتوان افزایش فشار و تنش

نیم‌نگاهی به بحران اقتصادی در جهان

بیماری‌های روانی و خودکشی؛ پیامد بحران اقتصادی در آمریکا: نتایج مطالعه ارائه‌شده در سال گذشته ملاحظاتی حاکی از آن است که ۸۳ میلیون آمریکایی از اختلالات روانی جدی رنج می‌برند که رکوردی در این باره محسوب می‌شود. همچنین ۳۲ درصد آمریکایی‌ها دچار درجاتی از افسردگی، استرس و اضطراب هستند که نیاز به مداخلات پزشکی دارد. این نتایج با بررسی وضعیت ۳۵ هزار خانوادۀ (۲۰۰ هزار نفر) حاصل شد که طی آن افراد پرسشنامه‌هایی را بجهت روانی خود نسبت به ۶۴ خانوادۀ هم‌پو، بچی، ناتوانی در انجام کارها، حالات عصبی، تحرک‌پذیری و خشکی را تکمیل کردند. ناسامانی و شرایط ناساعد مالی ناشی از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ میلادی، عامل بسیاری از آسیب‌های روانی و هیجانی در بلندمدت روی قشر ضعیف جامعه است و به نظر می‌رسد شرایط ایجاد کرده که اثر مخرب این آسیب‌ها به سادگی قابل جبران و بهبود نباشد. چنین نتایجی به دلیل پیامد بیماری‌های روانی بر کیفیت و امید به زندگی افراد بسیار نگران‌کننده است. از طرفی بررسی‌ها طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ میلادی نشان می‌دهد گروه قابل توجهی از افراد مبتلا به افسردگی شدید امکان دسترسی به خدمات سلامت را چنه به دلیل ناتوانی مالی برای مراجعه به مراکز درمانی، چه وخامت بیماری و عدم انگیزه به درمان ندارند. کاهش توان اقتصادی افراد را به انزوای می‌کشاند و ارائه خدمات پزشکی و درمانی در پیچیده‌تر می‌کند. از طرفی شمار افرادی که نیاز به مداخله جدی درمانی دارند به دلیل عدم پوشش بیمه‌ای هزینه‌های بهداشت و دریافت دارو نسبت به گذشته کاهش می‌یابد. رشد بیماری‌های روانی ناشی از مشکلات اقتصادی با افزایش ۳۵ درصدی در ۵۹ سال همراه بود که به عقیده محققان چنین شرایطی از نگرانی و نگرش این نسل نسبت به اوضاع نامطلوب‌تر زندگی در مقایسه با والدینشان بوده و زمینه‌ساز افزایش آمار خودکشی ناشی از فشار روانی مرتبط با مصرف مواد مخدر و الکل عنوان می‌شود. **آمار نگران‌دهنده خودکشی و افسردگی در یونان و ایتالیا:** از زمان شروع بحران اقتصادی در اروپا، ۸۰۰ هزار کودک و نوجوان یونان نسبت به افزایش مشکلات روانی ارائه شد، چنان‌که آمار خودکشی در این کشور ۳۵ درصد افزایش یافت. همچنین بروز افسردگی شدید ۴ برابر شد و این کشور خیلی سریع چنین وضعیتی را لمس کرد. به عقیده صاحبان‌نظر، زمانی که بودجه زندگی فرد ۳۰ درصد کاهش یابد، مسلم‌نمی‌تواند برای بهبود شرایط سلامت خود اقدام کند، در نتیجه پیامدهای مخیمی خواهد داشت. در واقع زمانی که افراد جامعه افسرده هستند و از مشکلات کم‌پوشش جدی روانی روانی رنج می‌برند، اجزای اجتماعی عملکرد مطلوب گذشته را ندارند. در نتیجه این شرایط ساختار کلی شرایط آسیب می‌شود و کاهش عملکرد هر ساختار، ناتوانی را در کل جامعه ایجاد می‌کند که قطعا پس از مدتی می‌تواند به خطری جدی تبدیل شود. در ایتالیا نیز افزایش آمار خودکشی در دوران بحران اقتصادی روند رو به رشدی داشت، چنان‌که طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ میلادی، خودکشی میان افراد بیکار ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد. از طرفی در ایتالیا نیز مانند دیگر کشورهای جنوب اروپا، ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار کودک و نوجوان یونان که دارای ناساعد خانواده و نزدیک به فقر زندگی می‌کردند که بیش از ۷۰۰ هزار نفر آنها با فقر مطلق روبرو بودند. این کودکان در معرض خطر بالای ابتلا به بیماری‌های جدی بودند که این دلیل دسترسی نداشتن به امکانات پزشکی، شرایط بدتری نهایت‌بخش می‌کرد. به همین دلیل فقر را باید به‌عنوان عامل اصلی ارتقای سلامت کودکان در نظر گرفت. یکی از مسائلی که شیوع اختلالات روانی را افزایش می‌دهد، نبود بخش‌های خدمات روان‌پزشکی در بیمارستان‌ها همراستا با دیگر صنایع سلامت می‌شود. همچنین در این زمینه معمولاً خدمات بیمه‌ای را راکتارها را پوشش نمی‌دهند که بار مضاعفی بر خانوارها تحمیل می‌کند و سبب چشم‌پوشی از اقدام برای درمان می‌شود. ■

منبع: lemond.fr



بحران اقتصادی و تغییر شاخص‌های سلامت

پیامدهای ناشی از بحران اقتصادی در جوامع و به تبع آن تغییرات جدی در ساختار زندگی مردم، باعث شده تغییر در شاخص‌های سلامت به‌عنوان بخشی قابل توجه در این زمینه شناخته شود. شاید دسترسی نداشتن به امکانات پزشکی را اولین و ملموس‌ترین آنها بدانیم اما باید دقت داشته باشیم چنین شرایطی قطعا در طولانی‌مدت زمینه‌ساز مشکلات عدیده‌ای می‌شود و تبعات جدی‌تری مانند کاهش بهره‌وری اقتصادی و تحمیل هزینه‌های سنگین مالی را در پی دارد.

برای اینکه به طور دقیق‌تر با پیامدهای شرایط ناساعد اقتصادی بر سلامت آشنا شویم، باید به این مقوله از ۳۲ کشور بنگریم؛ بحران اقتصادی بر سیستم‌های سلامت، تاثیر بر وضعیت سلامت مردم و نابرابری اجتماعی در زمینه سلامت.

تاثیر بحران اقتصادی بر سیستم‌های سلامت: پیامدهای اوضاع نابسامان اقتصادی بر سیستم‌های سلامت غالباً بارز و به‌عنوان مثال با کاهش هزینه‌های عمومی سلامت و به تقلیل رساندن بودجه‌های بخش بهداشت و درمان همراه است. به موازات این شرایط، امکان دسترسی به خدمات درمانی کاهش می‌یابد و از طرفی محدودیت مشاغل و حتی کاهش مشاغل دولتی در بخش سلامت را نیز تیزد فراموش کرد. تاثیرات اقتصادی بر سیستم سلامت جامعه معمولاً بدون اطلاع از این تغییرات رخ می‌دهد و غالباً با بهبود شرایط اقتصادی، وضعیت مطلوب‌تری پیدا می‌کند.

پیامد اقتصادی بر سلامت مردم: بر خلاف مورد قبلی، تاثیر مستقیم بحران اقتصادی بر وضعیت سلامت مردم به راحتی قابل‌ترسیم نیست زیرا در واقع ارتباط میان هزینه‌های عمومی سلامت، فوت و امید به زندگی در کوتاه‌مدت بسیار پایین است. در این زمینه شاخص‌هایی مانند اختلالات سلامت روان یا اوردگی به HIV و ایزد در بعضی جوامع دیگر بارز و اسپانیا نشان‌دهنده تاثیر این شرایط بر سلامت جامعه است اما از نظر شاخص دیگر معمولاً اطلاعات چندان دقیق نیستند و ممکن است با عوامل دیگری مرتبط باشند که تغییرات مداوم حوزه سلامت را در پی داشته باشد. از همین رو، شناخت تاثیر بحران بر وضعیت سلامت نیاز به بررسی‌های جامع‌تری دارد. هرچند در کشورهای مانند اسپانیا، فنلاند، فنلاند و آلمان که سیستم سلامت و امنیت اجتماعی تحت تاثیر چنین شرایطی نیست، نمی‌توان شاهد بروز این گونه مشکلات بود.

نابرابری اجتماعی: در نهایت بارزترین تاثیر بحران اقتصادی را باید رشد نابرابری‌های اجتماعی دانست. بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ میلادی، شمار افرادی که در معرض فقر قرار گرفتند یا از شغل خود اخراج شدند، در اتحادیه اروپا به ۹ میلیون نفر افزایش یافت و مطالعات حاکی از آن بود که شکاف طبقاتی جدی میان قشر ثروتمند و فقیر جامعه به وجود آمده. مطالعه بسیار جالبی که در اسپانیا انجام شد نشان می‌داد خانواده‌های بدون فرزند از نظر کاهش سطح درآمد و فقر بیشتر تهدید می‌شوند زیرا احتمال اخراج از کار در این افراد بیشتر بود. هرچه وضعیت سلامت این افراد با توجه به این شرایط ناساعد ارزیابی نشد اما در سایه چنین رویکردی، شاخص‌های کیفیت زندگی افت کرده بود و مسائلی مانند کاهش فعالیت‌های جسمانی، گرایش به عادات غذایی ناسالم و افزایش چاقی بیشتر دیده می‌شد. از نظر تاثیرات مربوط به افزایش نابرابری‌های اجتماعی، واکنش نسبت به سیاست‌های عمومی بسیار نامتوازن است. در واقع در کشورهای با سیستم حمایت اجتماعی گسترده مانند آلمان، هلند، سوئد، برابری‌های اجتماعی آنها تنها محدود شده، بلکه کاهش نیز یافته است اما در کشورهای با ساختار حمایت اجتماعی ضعیف بیشترین آسیب‌ها ناشی از بحران دیده می‌شود و به نظر می‌رسد مهم‌ترین تاثیرات در بحث سلامت در میان‌مدت دیده می‌شوند. بنابراین، سیاست‌مداران انرژی حوزه بهداشت و سلامت باید نسبت به در نظر گرفتن نابرابری‌های جدید اجتماعی ناشی از این بحران جدی اقدام دید گسترده‌تر و نگرش تازه‌تری داشته باشند. ■

منبع: cairn.info

آغاز جنگ رفه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته

دنیای‌مدرنی سیاست‌های سوسیال دموکراتیک در حوزه اقتصادی هستند. در نوئولبرسیسم تنظیمات بازار به حداقل و در لیبرالیسم به حداکثر می‌رسد. این تنظیمات به این معناست که آیا سیستم سیاسی (از نوع دموکراتیک) باید دنیای‌مدرنی اقتصاد باشد یا این اقتصاد است که باید از سیستم سیاسی پدید آید. در عین حال، دیگر مردم باید در خدمت اقتصاد باشند، در اقتصاد در خدمت مردم. نگاه بی‌دروسی وجود دارد که بر اساس آن وضعیت محروم‌ترین و پایین‌ترین اقشار جامعه، سنجیده می‌شود اما از نگاه نوئولبرسیسم، توسعه باید از طریق وضعیت‌نخبه‌ترین و بالاترین افراد جامعه سنجیده شود. بر این اساس، مسأله آموزش، بهداشت و فرهنگ تحت تاثیر مسائل اقتصادی قرار می‌گیرد. وضعیت بی‌دردی در آمریکا وجود دارد و با حاکمیت خصوصی سازی، بین مردم شکاف ایجاد شده است. در کشورهای اروپایی غربی مانند سوئد امکاناتی مانند بهداشت و پزشکی در پهنه کشور گسترده است و در دوره‌های اخیر منطقه کشور همان قدر مردم از امکانات پزشکی بهره‌مندند که در پایتخت این کشور وجود دارد. به همین دلیل است که جوایز نوبل که از طرف این کشور به افراد نخبه اهدا می‌شود، از آن کشورهایی مانند آمریکا می‌شود و سیاست سوئد بر نخبه‌گرایی قرار ندارد.

الگوی اقتصادی ایران مبتنی بر سیاست نوئولبرسیسم: الگوی اقتصادی ایران از سال‌های ۱۳۷۰ مبتنی بر نوئولبرسیسم است. این الگو در ایران تبعات بسیاری داشت و منجر به سیر فقهرایی شد زیرا در حالی از الگوی نوئولبرسیسم تبعیت می‌کردیم که کوچک‌ترین ابزاری برای کنترل بازارهای پولی نداریم، آن هم در شرایطی که با تحریریه‌ها می‌مواجه هستیم. در تهران مدرسی وجود دارد که شهریه آن سالانه ۱۰۰ میلیون تومان است. در شرایطی که در همین تهران، مدارس محروم وجود دارد. در زمینه دسترسی به بهداشت و بیمارستان نیز این‌گونه است و بیمارستان‌های وجود دارد که بسیار گران است. این درحالی است که پولی در مناطق و استان‌های دیگر بسیار پدتر است. در ایران در ارزیابی شاخص فرهنگی، استان محرومی مانند سیستان و بلوچستان فاقد رشد و پیشرفت فرهنگی مانند رشد مدارس، کتابخانه و غیره شاخص‌های بهداشتی مانند دسترسی به پزشک و...

است. این نتایج الگوی نوئولبرسیسم است که وضعیتی به وجود آورده که در آن فقر داریم. **راه‌های خروج از بحران:** بدترین وضعیت‌ها نیز قابل‌ترمیم است. نمونه آن کشورهای اروپایی است که در سال ۱۹۹۵ میلادی دچار

اگر دسترسی به آنها وجود نداشته باشد، حیات کشور به خطر می‌افتد. زیرا حیات یک کشور وابسته به آنهاست. کشورهای مانند آمریکا و فرانسه به‌عنوان کشورهای توسعه‌یافته، تولیدات کشاورزی خود را کاهش ندادند زیرا غذا محصولی استراتژیک است و هیچ کشوری نباید در این زمینه وابسته به سایر کشورها باشد. همچنین محصولات دارویی و انرژی جزو کالاها استراتژیک هستند و کشوری مانند فرانسه با وجود نداشتن انرژی فسیلی، امروزه ۹۰ درصد میزان مصرف انرژی خود را از طریق کارخانه‌های هسته‌ای تأمین می‌کند. امروزه علاوه بر محصولات غذایی و انرژی، نیازهای بهداشتی و پزشکی و خدمات مهندسی نیز جزو محصولات استراتژیک قرار گرفته‌اند. برای تأمین نیازهای بهداشتی و خدماتی مانند احداث پل و جاده نمی‌توان به سایر کشورها وابستگی داشت و هزینه آن‌ها باید تأمین شود. **حمایت از تولید داخلی، نیازمند توجه به موازنه اقتصادی است:** نکته مهم دیگر اینکه در حمایت از تولید داخلی باید به موازنه تجاری نیز توجه شود. در غیر این صورت همان اتفاقی رخ می‌دهد که ترامپ در تعیین تعرفه کالاها انجام داد و سایر کشورها نیز مقاله به مثل کردند زیرا کشورها دارای موازنه تجاری با یکدیگر هستند و اگر نگاه به مسائل اقتصادی مبتنی بر این باشد که در یک جزیره زندگی می‌کنیم و نیازی به روابط تجاری با سایر کشورها نداریم، موفق نمی‌شویم. حرکت به سمت جهانی شدن نیازمند رعایت موازنه تجاری است. چنانچه نتوانیم گروه‌های محصولات استراتژیک را داخل کشور تولید کنیم و نیازمند واردات باشیم، بهتر است این واردات از کشورهای انجام شود که کمترین مشکل سیاسی را داشته باشیم، حتی اگر کیفیت پایین و قیمت بالایی داشته باشد اما می‌دانیم تضمین سیاسی وجود دارد. در غیر این صورت به شدت ضربه می‌خوریم. برای این سیاست‌گذاری باید فراتر از مسائل اقتصادی اندیشیده شود. بسیاری از کشورها نیز در لحاظ ژئوپولیتیک، سبدهای متعدد وارداتی دارند و کشوری مانند هندوستان انرژی مورد نیاز خود را از چند کشور وارد می‌کند.

پایه‌سازی الگوی نوئولبرسیسم به شکل گسترده در آمریکا: در جهان امروز، الگوی نوئولبرسیسم به شکل گسترده در آمریکا پیاده شد. در اروپا نیز از سال ۱۹۸۰ میلادی در زمان تاجر سعی شد این سیاست گسترش یابد اما از سال ۱۹۹۰ میلادی درباره آن تجدیدنظر شد و به الگوی سوسیال دموکراتیک که الگوی «بازار کنترل‌شده» است، بازگشت. امروزه غیر از انگلستان که با توجه به سال‌ها رکود، در حال خارج شدن از اتحادیه اروپا است، کشورهای اروپایی غربی

دکتر ناصر کفوی
استاد گروه آشناسنشی
دانشگاه علامه امینی
دانشگاه تهران



کتمب که دارای برتری نسبی یا استراتژیک باشند. این درحالی که خط‌مشی اقتصادی کشور بعد از جنگ و در سال‌های ۱۳۷۰ به بعد، در جهت تشویق تولید بوده و الگویی که مورد استفاده قرار گرفته، مبتنی بر اقتصاد مالی و پولی بوده است. در اقتصاد پولی، روابط حکم بر بازار بر اساس محصولات مالی و مرکز آن نیز در بازار سهام است. به این ترتیب اقتصاد تولیدی و مالی دو نوع اقتصادی است که با هم انطباق ندارند و منافع آنها در بسیاری از موارد متناقض است. امروزه برای اولویت دادن به تولید و صنایع تولیدی مانند کالاهای کشاورزی اروپایی و چین وضع کرد و طرف‌های مقابل نیز این تعرفه‌گذاری را نادیده دارند. چنین وضعیتی می‌تواند کشورها را به سمت سقوط اقتصادی جدید بیند و بر اساس نظریه اقتصاددانان، این روند می‌تواند در چند سال آینده اقتصاد آمریکا را با شکست مواجه کند. هنگامی که دلار به مبنای مبادلات تبدیل می‌شود و آمریکا نیز بر اساس این مدل از منابع گوناگون قرض می‌گیرد، درحالی که امکان چاپ و تزریق دلار را دارد، شرایطی پیش می‌آید که این کشور با کم‌توانی و قدرت نظامی، مسائل گوناگونی در کشورهای ایجاد کند. هرچند لازم است اقدام‌های وجود داشته باشد زیرا بایک‌ها نمی‌توانند بدون آن فعالیت داشته باشند، اما اینکه یک سیستم اقتصادی کاملاً مبتنی بر اقتصاد صنعتی تولیدی باشد و چنین روشی بر سیستم صنعتی اولویت داشته باشد، به طور حتم مشکلاتی ایجاد می‌کند.

اولویت‌های اقتصاد در مسائل حمایت از کالای داخلی: مسأله اول، دقت گرفتن اولویت نسبی در دستیابی اقتصادی است. به این معنا که هر کشوری باید موقعیت جغرافیایی، منابع، دسترسی به بازار و ظرفیت تولیدی، اولویت را به تولید محصولات بهداشتی که امکان آن فراهم است و قرار نیست هر کشوری همه کالاها را تولید کند زیرا امکان‌رزمی‌ت دارد. به‌عنوان مثال، تولید هواپیما در اقتصاد کارتن‌های اروپایی و آمریکا قرار دارد و سایر کشورهای زمینه‌فصل در این صنعت ندارند. موضوع مهم دیگری که کشورها در زمینه اقتصادی بر آن تکیه دارند، تولید کالاهای استراتژیک است. تمام کشورهای توسعه‌یافته در این سبب از سیاست صنعتی‌زایی، محصولات استراتژیک را در این سیاست وارد کردند. محصولات استراتژیک، محصولاتی هستند که